

جواد آقازاده*

روند توجه جامعه جهانی به محیط زیست (۱)

مقاله روند توجه جامعه جهانی به محیط زیست در مقدمه توجهی دارد به وقوع انقلاب صنعتی و تاثیر آن بر مسایل محیط زیست، پیدایش آلودگی‌ها و گسترش آن در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و مسائل مربوط به الگوهای توسعه ناپایدار. در عین حال به موضوع توجه جهانی به محیط زیست، برگزاری کنفرانس‌های مختلف از جمله کنفرانس بیوسفر محیط زیست انسانی استکهلم و بیانیه‌های صادره در مقاطع مختلف در مورد محیط زیست اشاره می‌شود، این برنامه‌ها مسئله اقدام برای حفاظت محیط زیست انسانی، برنامه‌های محیط زیست سازمان ملل، گسترش حقوق بین‌المللی محیط زیست را مد نظر قرار می‌دهد. همچنین مقاله توجهی دارد به کنوانسیون‌های مختلف برای حفاظت از لایه اوزون. دستاورد‌های کنفرانس سازمان ملل در خصوص توسعه و محیط زیست بیانیه‌های ریو در مورد توسعه و محیط زیست، و اقدام برای دستیابی به توسعه پایدار در قرن ۲۱ از دیگر مواردی است که در مقاله بر آن اشاره شده است. همچنین مواضع و عملکرد کشورهای در حال توسعه در خصوص اجلاس زمین و مسئولیت تاریخی کشورهای توسعه یافته در تخریب محیط زیست نیز مورد بحث قرار گرفته و لزوم تخصیص منابع مالی، تسهیل انتقال فن‌آوری سالم محیط زیستی در مناقشات مربوط به «توسعه و محیط زیست» آورده شده است.

* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد در روابط بین‌الملل و کارشناس در محیط زیست وزارت امور خارجه
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۲ (تابستان، ۱۳۷۹)، ص ۸۳-۱۱۴.

مقدمه

پس از وقوع انقلاب صنعتی و به راه افتادن کارخانجات مختلف، آلودگیهای وسیع زیست محیطی نیز آغاز شد و به دنبال آن نظرات حمایتی از محیط زیست نیز به تدریج در میان کشورها خصوصاً کشورهای غربی که خود آغازگر این روند آلوده سازی بوده اند، شکل گرفت. دانشمندان و نویسندگان، نخستین کسانی بودند که از دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رفته رفته توجه جوامع بشری و سیاستمداران را نسبت به خطرات و عواقب روند موجود تخریب محیط زیست که به طور عمده ناشی از رشد نامعقول فن آوری و الگوهای ناپایدار تولید و مصرف بود، جلب کردند. اما حساسیت نسبت به ضرورت مقابله با آلودگی محیط زیست ابتدا به صورت منفی و در قالب ضدیت با فن آوری و سپس تحت عنوان طرفداری از محیط زیست تجلی یافت. ژاک ال-سول^(۱) - فیلسوف و نویسنده که کتاب وی تحت عنوان «جامعه تکنولوژیک» در سال ۱۹۵۴ در آمریکا انتشار یافت - را می توان پیشرو نهضت ضد فن آوری در غرب نامید. وی اعلام کرد که تکنیک به هیولای فرانکشتاین تبدیل شده و از کنترل انسان خارج گردیده است. لوئیس مامفورد^(۲)، رنه دوبو^(۳) و چارلز رایش^(۴) متفکران دیگری در این زمینه هستند که با تألیفات خود در مخالفت با فن آوری در دهه ۶۰، نهضت طرفداری از محیط زیست را تغذیه فکری نمودند. تأکید این متفکران بر خود کامه شدن فن آوری بود که انسان را از خود و از دامان طبیعت که در آن رشد و نمو کرده، بیگانه ساخته است.^۱

اما بحث فراگیر فن آوری و محیط زیست در دهه ۶۰، نتیجه به هم پیوستن چند عامل دیگر به ویژه تعدادی عوامل روانی بود: تابش های اتمی و خطری که از این جهت می توانست متوجه طبیعت و جانداران باشد، تجزیه ناپذیری سموم کشاورزی و دفع آفات نباتاتی، اخبار مربوط به نابودی دریاچه اری^(۵) بزرگترین دریاچه آمریکا، غرق شدن کشتی نفتکش توری کانیون^(۶) و نشت نفت در آبهای اقیانوس آرام و تاثیر ناگواری که بر زندگی جانداران دریایی

1. Jack Ellul

2. Lewis Mumford

3. Rene Dubos

4. Charles Reich

5. Erie

6. Torrey Canyon

گذاشت، انتشار ارقام هراس انگیز رشد جمعیت، انتشار کتابهای جدی و مستند دربارهٔ بحرانهای زیست محیطی نظیر فضا و زمین، نوشتهٔ کنت باولدینگ^(۱) و «تنها یک زمین» نوشتهٔ رنه دوب و وباربارا وارد^(۲)، و بالاخره انتشار داستانهای وحشت آور راشل کارسن^(۳) و به خصوص داستان «بهار خاموش»، پرفروش ترین کتاب سال ۱۹۶۰.^۲

بدین ترتیب و به تدریج سطح آگاهی های عمومی از مسائل محیط زیست و عواقب ناشی از اقدامات مخرب برای فضای حیاتی بشر افزایش یافت و منجر به شکل گیری نهضت های طرفدار محیط زیست گردید. با گذشت زمان، این جنبش ها در میان مردم قدرت یافتند و به فکر فعالیت های سیاسی و نیل به اهداف خود از طریق قوه مقننه و نفوذ به پارلمان ها افتادند که با موفقیت در این امر، در واقع نگرانیهای گستردهٔ مردم در این مورد آشکار گردید، این امر به نوبهٔ خود باعث توجه جدی تر دولتها به مسئله محیط زیست شد، تا جایی که جامعهٔ اروپا کمیسیون را برای تدوین قوانین زیست محیطی تشکیل داد و احزاب مختلف نیز در برنامه های خود مسائل زیست محیطی را در نظر گرفتند.^۳

در نتیجهٔ رشد جنبش های زیست محیطی از یک سو و افزایش آگاهی دولتها در مورد ماهیت فرامرزی بسیاری از آلودگیهای زیست محیطی و ضرورت اقدام جمعی از طریق همکاریهای بین المللی از سوی دیگر، منجر به برگزاری کنفرانس بیوسفر در سال ۱۹۶۸ به عنوان نخستین همایش علمی بین المللی و کنفرانس محیط زیست انسانی در استکهلم در سال ۱۹۷۲ به عنوان اولین گردهمایی سیاسی بین المللی در زمینهٔ محیط زیست گردید.

۱- کنفرانس بیوسفر و دستاورد آن

کنفرانس بیوسفر که توسط سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۸ در مقر این سازمان در پاریس برگزار شد، سرآغاز حضور مباحث زیست محیطی در مجامع بین المللی بود. نمایندگان دولتهای شرکت کننده ضمن توافق در

1. Kenneth Boulding
2. Rene Dubos and Barbara Ward
3. Rachel Carson

خصوص سلسله توصیه‌هایی برای اقدامات و فعالیت‌های آینده، لزوم همکاری دولتها در تهیه و اجرای برنامه پژوهش علمی ویژه‌ای موسوم به «برنامه انسان و زیست کره» به رهبری یونسکو و همکاری کلیه آژانس‌های تخصصی ملل متحد را مورد تاکید قرار دارند. پیش‌نویس برنامه مذکور در اکتبر ۱۹۷۰ به کنفرانس عمومی یونسکو ارائه شد و پس از بحث و بررسی، بودجه لازم جهت هدایت و هماهنگ ساختن آن در دبیرخانه یونسکو به تصویب رسید. یک انجمن بین‌المللی هماهنگ‌کننده، مرکب از ۲۵ نماینده علمی و ناظران ویژه کارگزاریهایی تخصصی ملل متحد و سازمانهای غیردولتی تأسیس شد و وظیفه طراحی پروژه‌های تفصیلی و تعیین اولویت‌های برنامه‌بدان محول گردید. کار اولیه انجمن، برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف برنامه انسان و زیست کره بود. این اهداف عبارت بودند از: بنانهادن شالوده‌ای برای استفاده معقول و حفظ منابع بیوسفر، بهبود ارتباط جهانی میان انسان و محیط زیست در چارچوب علوم طبیعی و اجتماعی، پیش‌بینی نتایج کارهای امروز در جهان فردا و در نتیجه افزایش توانایی آدمی برای استفاده درست و موثر از منابع بیوسفر.^۴

بزرگترین امتیاز کنفرانس بیوسفر این بود که برای اولین بار کلیه کشورها متفقاً به ضرورت حفاظت از منابع طبیعی معترف شده و این موضوع از موقعیت تثبیت شده‌ای در مجامع بین‌المللی برخوردار گردید. اما قدم اصلی در جهت ورود مباحث زیست محیطی به عرصه روابط بین‌الملل را کنفرانس استکهلم برداشت که مقدمات آن در دسامبر ۱۹۶۸ به پیشنهاد شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) در بیست و سومین اجلاس مجمع عمومی با قطعنامه شماره ۲۳۹۸ فراهم گردید.

۲- کنفرانس محیط زیست انسانی استکهلم و دستاوردهای آن

در سال ۱۹۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل در بیست و سومین اجلاس خود، به ابتکار هیأت نمایندگی سوئد و به پیشنهاد شورای اقتصادی - اجتماعی ملل متحد (اکوسوک)، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که طی آن تصمیم گرفته شد جهت حفاظت از منابع طبیعی و توجه بیشتر به مسائل زیست محیطی به خصوص در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی و

اجتماعی، در سال ۱۹۷۲ کنفرانسی بین المللی تحت عنوان محیط زیست انسانی در استکهلم برگزار گردد. براین اساس، در ژوئن ۱۹۷۲ کنفرانس مزبور با حضور ۱۲۰۰ نفر از ۱۱۳ کشور جهان، نمایندگان از آژانس های تخصصی ملل متحد و سازمانهای غیر دولتی برگزار گردید. اهداف کنفرانس استکهلم عبارت بودند از:

۱- تاکید بر لزوم حفظ منابع طبیعی

۲- تعیین، تشخیص و کنترل مواد آلوده کننده محیط که دارای ابعاد بین المللی است

۳- بررسی و شناخت مسائل محیط زیست از جنبه های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی

۴- برنامه ریزی برای احداث و ایجاد مراکز مسکونی با توجه به حفظ کیفیت

محیط زیست

۵- چگونگی توسعه و پیشرفت با در نظر گرفتن اصل عدم لطمه به محیط زیست

۶- تاسیس سازمانهای بین المللی و منطقه ای برای ایجاد هماهنگی در اجرای

پیشنهاد های کنفرانس و اجرای برنامه های زیست محیطی.^۵

حاصل کار کنفرانس در طی یازده روز جلسات پی در پی، بیانیه محیط زیست انسانی^(۱)

و برنامه اقدام برای حفاظت از محیط زیست انسانی^(۲) حاوی ۱۰۶ توصیه کنفرانس استکهلم،

برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)^(۳) اندکی بعد از برگزاری کنفرانس مزبور تشکیل شد تا

فعالیت های سازمان ملل را در زمینه محیط زیست سازماندهی نماید و مشوق همکاری

جهانیان برای حفظ تنها یک زمین باشد. همچنین به علت توجه خاصی که در خلال برگزاری

کنفرانس استکهلم به مسئله محیط زیست معطوف گردید، زمینه لازم برای انعقاد

کنوانسیون های زیست محیطی چند جانبه میان کشورها فراهم آمد. بر این اساس،

دستاوردهای کنفرانس مزبور عبارتند از:

1. Declaraion of the United Nations Conference on Human Environment

2. Action Plan for the Human Environment

3. United Nations Environment Programme (UNEP)

۲-۱) بیانیه محیط زیست انسانی

بیانیه محیط زیست انسانی حاوی نظرات مشترک کشورهای شرکت کننده شامل دو بخش پیشگفتار و اصول بیست و شش گانه می باشد. بیانیه مزبور اولین بیانیه مشترک ۱۱۳ کشور درباره توجه و تعهد آنها نسبت به محیط زیست انسانی است. این بیانیه انسان را به عنوان هم وابسته به محیط زیست و هم شکل دهنده آن در موارد ذیل مسئول می داند:

۱) بهبود کیفیت زندگی بشر

۲) حفاظت، مدیریت و استفاده منطقی از منابع زمین به طریقی که همه افراد بشر، نه فقط نسل حاضر از آن بهره مند گردند

۳- پیشگیری، کاهش و یا از بین بردن آلودگی و تخریب محیط زیست

۴- آموزش افراد در همه گروههای سنی در زمینه حفاظت محیط زیست و تعادل بوم شناختی

۵- ترویج پژوهشهای علمی در جهت مسائل محیط زیست

۶- سازماندهی و تشویق مؤسسات اجتماعی در برقراری همکاریهای ملی و بین المللی در محو یا تقلیل اثرات سوء فعالیت های انسانی

۷- حفظ صلح و ارتباطات متوازن بین ملت ها از طریق مبادلات عادلانه و خلع سلاح.^۶ مفاد اصول بیست و شش گانه بیانیه تقریباً مشابه مفادی است که در پیشگفتار بیانیه ذکر آنها رفته است، با این تفاوت که در پیشگفتار به طور کلی به مسائل محیط زیستی اشاره شده ولی در اصول به طور ملموس تر و آشکارتری مفاهیم محیط زیستی مورد توجه قرار گرفته اند. در این اصول به تمامی جوانب محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن توجه شده است و از دولتها و سازمانهای دست اندرکار جهت رعایت حقوق مردم و احترام به آن، خواسته است که روشی متمرکز و هماهنگ برای برنامه توسعه خود انتخاب کنند تا توسعه قابل انطباقی با نیازهای حفاظت و بهبود محیط زیست انسان به نفع مردم کشور خود را بتوانند تضمین کنند. اصل هفدهم اشعار می دارد: دولتها باید تشکیلات ملی متناسب برای سیاست گذاری، مدیریت و کنترل منابع زیست محیطی در جهت ارتقای کیفیت محیط زیست

ایجاد نماید.^۷ بر این اساس در بسیاری از کشورها شاهد ایجاد وزارت خانه ها و سازمانهای محیط زیست جهت هدایت، هماهنگی، سیاست گذاری و مدیریت مسائل زیست محیطی هستیم. سازمان حفاظت محیط زیست ایران نیز در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی (۱۹۷۲ میلادی) از انحلال وزارت منابع طبیعی و ادغام آن با سازمان شکاربانی و نظارت بر صید ایجاد گردیده است.

۲-۲) برنامه اقدام برای حفاظت از محیط زیست انسانی

نتیجه دیگر کنفرانس استکهلم، تصویب یک برنامه اقدام برای محیط زیست مشتمل بر ۱۰۶ توصیه برای حفاظت از محیط زیست در سطح بین المللی و نیز هجده توصیه در مورد مدیریت طرحهای مسکن شهری از سوی کنفرانس به دولت ها بود. زمینه های تمرکز برنامه مزبور را می توان در ۵ گروه خلاصه کرد:

۱) مدیریت اسکان بشر، ۲) مدیریت منابع طبیعی، ۳) آلودگی، ۴) زمینه های آموزشی، اطلاعاتی، اجتماعی و فرهنگی، و ۵) توسعه و اثرات آن بر محیط زیست و اتخاذ تصمیماتی جهت کاهش فقر، سوء تغذیه، بیماری، بیسوادی توأم با اجتناب یا به حداقل رساندن تخریب و آلودگی محیط زیست.

همچنین به لحاظ نوع وظایف می توان مفاد برنامه اقدام برای حفاظت از محیط زیست انسانی را به گروه تقسیم کرد: ۱) گروه ارزیابی زیست محیطی: تحت برنامه «مراقبت از زمین»^(۱) با اهداف شناسایی و اندازه گیری مسائل محیط زیست بین المللی و هشاری نسبت به وقوع بحرانهایی احتمالی. وظایف این گروه عبارت بود از: بررسی و ارزیابی شکاف های موجود میان دانش و عمل جهت تصمیم گیری درباره روندهای کوتاه و بلند مدت زیست محیطی، پژوهش جهت تهیه اطلاعات جدید و تفاسیر تازه درباره اطلاعات قدیمی تر که منجر به درک بهتری از مسائل محیط زیست شود و بازنگری جهت گردآوری اطلاعات درباره متغیرهای محیط زیستی خاص به صورت منظم و مداوم برای ارزیابی و پژوهش و

1. Earth Watch

مبادله اطلاعات.

(۲) گروه مدیریت محیط زیست: جهت مدیریت محیط زیست، اقداماتی در گروه مراقبت از زمین مقرر گردیده است که عبارتند از: بهبود ذخایر آب، بهبود وضعیت فاضلاب ها، حفاظت از منابع ژنتیکی، کاهش میزان انتشار ئیدروکربور ها و فلزات سنگین در جو و آبها.

(۳) گروه اقدامات پشتیبانی: با وظایفی نظیر تربیت، آگاهی و آموزش عمومی جهت پذیرش مسئولیت بیشتر در حفاظت و مراقبت از محیط زیست، تشکیل سازمانهایی برای ایجاد ارتباطات کاری میان موسسات دولتی و غیر دولتی و نهایتاً ارائه کمک های نقدی و غیر نقدی از طریق ایجاد صندوق محیط زیست با مشارکت ملل عضو برای حمایت از فعالیت های مختلفی که در برنامه کار مشخص شده است.^۸

۳-۲) تاسیس برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)

بنابه توصیه کنفرانس استکهلم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیست و هفتمین اجلاس خود در سال ۱۹۷۲، طی قطعنامه شماره ۲۹۹۷، برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) را مرکب از شورای حاکم^(۱)، دبیرخانه و صندوق محیط زیست با وظایف و اهداف ذیل تأسیس کرد:

- (۱) تأمین و تقویت خدمات مشاوره ای برای همکاریهای بین المللی در زمینه محیط زیست و سیاست گذاری در این خصوص
- (۲) سیاست گذاری و هدایت برنامه های زیست محیطی در درون نظام ملل متحد
- (۳) بررسی وضعیت زیست محیطی جهانی جهت حصول اطمینان از توجه جامعه بین المللی به مسائل به وجود آمده زیست محیطی
- (۴) تقویت، تحصیل، ارزیابی و تبادل دانش و اطلاعات زیست محیطی و ارائه مشاوره تکنیکی در این خصوص

- (۵) ارائه خدمات مشاوره ای به نهادهای بین دولتی نظام ملل متحد جهت تهیه و اجرای

1. Governing Council

برنامه های زیست محیطی

۶) جلب همکاری جوامع حرفه ای و علمی زیست محیطی

۷) تأمین مالی کلی یا جزیی ابتکارات زیست محیطی نوین در درون نظام ملل متحد

۸) تأمین مالی برنامه های عام زیست محیطی نظیر کنترل، ارزیابی، جمع آوری اطلاعات، گسترش مدیریت کیفیت زیست محیطی، تحقیقات زیست محیطی، تبادل و نشر اطلاعات، آموزش عمومی و امثال آن.

شورای حاکم از طریق شورای اقتصادی اجتماعی (اکوسوک) به مجمع عمومی گزارش می دهد و تا سال ۱۹۸۷ هر ساله و پس از آن هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می دهد. شورای مزبور از ۵۸ عضو تشکیل یافته که توسط مجمع عمومی با ترکیب ذیل انتخاب می گردند:

۱۶ کشور از آفریقا، ۱۳ کشور از آسیا، ۱۰ کشور از آمریکای لاتین و کارائیب، ۱۳ کشور از اروپای غربی و دیگر کشورها، و ۶ کشور از اروپای شرقی. هر یک از اعضا برای مدت چهار سال انتخاب می شوند و نصف ترکیب اعضای شورا هر دو سال یک بار تغییر می نماید.^۹

۴-۲) گسترش حقوق بین الملل محیط زیست

اگرچه قبل از کنفرانس استکهلم پاره ای معاهدات بین المللی که به نوعی به محیط زیست مربوط می شد و یا بخشی از مفاد آنها به حفاظت از محیط زیست اختصاص داشت منعقد گردیده بود، اما تکوین حقوق بین الملل محیط زیست به معنای مجموعه ای از مقررات و معاهداتی که به طور مستقیم و تماماً ناظر بر رفتار دولت ها و سازمانهای بین المللی در زمینه محیط زیست باشد، متعاقب برگزاری کنفرانس استکهلم صورت پذیرفت. اصل ۲۱ بیانیه استکهلم اشعار می دارد: دولت ها بر اساس منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الملل در بهره گیری از منابع خود در تعقیب سیاست های محیط زیستی خویش حق حاکمیت داشته و مسئولیت دارند تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت های جاری در حوزه قلمرو و یا نظارت آنها

آسیبی به محیط زیست دیگر دولت ها و یا مناطق ماورای محدوده قلمرو ملی آنها وارد نسازد. با تأیید این اصل توسط ۱۱۳ کشور حاضر در کنفرانس، در واقع گام اساسی در تحدید حاکمیت ملی کشورها و گسترش حقوق بین الملل محیط زیست برداشته می شود. به نوعی که در فاصله بیست ساله بین کنفرانس استکهلم (۱۹۷۲) تا کنفرانس ریو (۱۹۹۲)، قریب ۳۱ کنوانسیون و پروتکل زیست محیطی تدوین و تصویب می گردد^{۱۰}، که به معرفی مهمترین آنها می پردازیم.

۱-۴-۲) کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های گیاهی و جانوری وحشی در معرض خطر^(۱)

این کنوانسیون در مارس ۱۹۷۳ تصویب و در جولای ۱۹۷۵ لازم الاجرا گردید به طوری که هم اینک ۱۳۸ کشور عضو آن هستند. هدف این کنوانسیون، کنترل و نظارت جهانی بر تجارت گونه های گیاهی و جانوری وحشی در معرض خطر انقراض است. کنوانسیون فهرست گیاهان و جانورانی را که در معرض خطر نابودی هستند جمع آوری کرده و پس از بررسی، هریک از آنها را در یکی از ضمایم ۱، ۲ یا ۳ خود قرار داده و فهرست نهایی را به اطلاع کشورهای عضو می رساند تا از طریق گمرکات ورود و خروج آنها کنترل گردد.

ضمیمه ۱، شامل کلیه گونه هایی است که در معرض نابودی هستند، لذا تجارت این گونه ها از مقررات شدیدی تبعیت نموده و تنها در موارد بسیار استثنایی مجاز می باشند.

ضمیمه ۲، شامل کلیه گونه هایی است که فعلاً در معرض خطر انقراض نسل نمی باشند، اما ممکن است در آینده دچار خطر شوند. مگر آنکه تجارت آنها تحت مقررات خاص قرار گیرد تا از بهره برداریهایی که بقای آنها را به مخاطره می اندازد، جلوگیری شود.

ضمیمه ۳، شامل کلیه گونه هایی است که به موجب اعلام هریک از اعضای کنوانسیون، تجارت آنها نیاز به کنترل دارد. مقررات حاکم بر این گروه در محدوده صلاحیت قانونی کشور عضو کنوانسیون و در توافق با سایر اعضاست.^{۱۱}

1. Convention on International Trade in Endangered Species, Wild Fauna and Flora (CITES)

۲-۴-۲) کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر حیوانات وحشی^(۱)

این کنوانسیون که به کنوانسیون بن^(۲) نیز مشهور است، در سال ۱۹۷۲ و بنا به پیشنهاد کنفرانس استکهلم تصویب و در سال ۱۹۷۹ نهایی شد و از اول نوامبر ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا گردیده است. هدف کنوانسیون، حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی و زیستگاه‌های آنهایی که در معرض خطر هستند (ضمیمه ۱ کنوانسیون) و یا از وضعیت نامناسب و نامطلوب حفاظتی برخوردارند (ضمیمه ۲ کنوانسیون)، می‌باشد.^{۱۲}

۲-۴-۳) کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن و پروتکل مونترال در مورد مواد تخریب‌کننده لایه ازن و اصلاحیه‌های لندن و کپنهاگ در مورد آن^(۳)

این کنوانسیون در سال ۱۹۸۵ و در نتیجه مذاکراتی که توسط برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) و سازمان هواشناسی جهانی ترتیب داده شده بود، تصویب گردید. کنوانسیون بر تعهد کلی کشورهای عضو در حفاظت از لایه ازن تأکید داشت و راه را برای تدوین پروتکل‌های تخصصی جهت اقدامات کنترل‌کننده فراهم نموده بود. بر این اساس در سال ۱۹۸۷، پروتکل مونترال در خصوص مواد تخریب‌کننده لایه ازن تدوین شد. هدف پروتکل مونترال به نصف رساندن میزان انتشار کلروفلوروکربن‌ها (CFC's) در جو تا سال ۱۹۹۸ و ثابت نگه داشتن انتشار هالوژن‌ها تا سال ۱۹۹۲ بود. اما متعاقباً کشورهای عضو به این نتیجه رسیدند که میزان تعهدات پذیرفته شده برای جلوگیری از روند فزاینده تخریب لایه ازن کافی نیست. لذا اصلاحیه‌های لندن (۱۹۹۰) و کپنهاگ (۱۹۹۲) تعهدات جدی‌تر و دقیق‌تری را برای اعضا جهت حذف تدریجی تولید و مصرف مواد شیمیایی تخریب‌کننده لایه ازن ایجاد کرد.^{۱۳}

1. Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals (CMS)

۲- دبیرخانه این کنوانسیون در شهر بن (Bonn) آلمان واقع شده و به همین دلیل به کنوانسیون بن نیز مشهور است.

3. Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer and the Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer and London and Copenhagen Amendments.

۴-۲) کنوانسیون بازل در خصوص کنترل حمل و نقل فرامرزی زباله های خطرناک و دفع آنها^(۱)

این کنوانسیون در مارس ۱۹۸۹ در شهر بازل سوییس تصویب و در ماه مه ۱۹۹۲ لازم الاجرا شده است. هدف کنوانسیون، کاهش تولید زباله های خطرناک و حصول اطمینان از حمل و نقل و دفع صحیح آنها با حداقل خطر برای سلامت انسان و محیط زیست می باشد. طبق مقررات این کنوانسیون، ارسال و رهاسازی زباله های خطرناک از کشوری به کشور دیگر ممنوع است، مگر آنکه حمل و نقل و دفن آنها از نظر زیست محیطی معقول باشد.^{۱۴}

۳) کنفرانس ملل متحد در خصوص توسعه و محیط زیست^(۲) و دستاوردهای آن

کنفرانس ملل متحد در خصوص توسعه و محیط زیست که به اجلاس سران زمین نیز مشهور است، بیست سال پس از تشکیل کنفرانس محیط زیست انسانی در استکهلم در ژوئن ۱۹۷۲، از سوم لغایت چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در شهر ریودو ژانیرو پایتخت برزیل، با حضور نمایندگان ۱۷۸ کشور جهان برگزار شد. این کنفرانس نقطه عطفی در روند توجه جامعه جهانی به مسئله محیط زیست به خصوص در آستانه ورود به سومین هزاره میلادی به شمار می آید. در این کنفرانس، مفهوم توسعه پایدار که از ادغام دو متغیر محیط زیست و توسعه در یکدیگر حاصل شده بود، رسمیت جهانی یافت. اجلاس سران زمین که اندکی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن شرایط حاصل از جنگ سرد و رقابت بلوکی تشکیل می شد از زمینه لازم جهت توجه جدی تر جوامع بشری، حکومت ها، سازمانهای غیردولتی و افکار عمومی جهان و حصول توافق جهت اقدام عملی به منظور حفظ «تنها یک زمین برای همه» برخوردار بود. بر این اساس، کنفرانس ریو زمینه ساز تصویب موافقت نامه ها، قراردادهای سیاست ها و راهبردهای کلی متعددی گردید.

1. Basel Convention on the Control of Transboundary Movement of Hazardous Wastes and their Disposal.

2. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED), Known as the Earth Summit.

۱-۳) بیانیه ریو در خصوص توسعه و محیط زیست

بیانیه ریو شامل ۲۷ اصل، در خصوص توسعه و محیط زیست که به منشور زمین^(۱) مشهور است، هرچند الزام قانونی ندارد، ولی پیش بینی می شود همانند منشور حقوق بشر، کشورهای جهان تعهد اخلاقی جدی تری نسبت به پایبندی به اصول آن داشته باشند. این بیانیه که حقوق و وظایف کشورهای مختلف را در قبال محیط زیست و توسعه بر می شمارد، حاصل مصالحه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. کشورهای صنعتی بدو طرفدار تنظیم بیانیه مختصری بودند که بیانیه استکهلم در خصوص محیط زیست انسانی را تقویت کرده و لزوم حفاظت از کره زمین را مورد تأکید قرار دهد. اما کشورهای در حال توسعه بیشتر خواهان توجه دقیق تر به مسائل خاص خود به ویژه حق بلامنازع توسعه و پیشرفت و تأیید این که کشورهای صنعتی عمدتاً مسئول مشکلات زیست محیطی موجود هستند، بودند. آنها همچنین خواهان تخصیص بودجه بیشتر و انتقال فن آوری های جدید سازگار با محیط زیست بودند تا مجبور نباشند نظیر کشورهای پیشرفته با توسل به طرقی که محیط زیست را آلوده می کند به توسعه دست یابند.^{۱۵}

۲-۳) دستور کار ۲۱: برنامه اقدام برای دستیابی به توسعه پایدار در قرن ۲۱^(۲)

دستور کار ۲۱ به عنوان برنامه اقدام برای دستیابی به توسعه پایدار در نیمه اول قرن ۲۱ میلادی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی مهمترین سند مورد توافق در اجلاس سران زمین به شمار می آید. مذاکرات مربوط به تهیه پیش نویس این سند توسط کمیته مقدماتی مرکب از نمایندگان ۱۷۲ کشور جهان و در طی چهار ماه که از اوت ۱۹۹۰ آغاز گردیده بود، صورت گرفت. در این پیش نویس بسیاری از عبارات در پراکنش قرار داشت که مبین وجود اختلاف شدید میان نمایندگان کشورها بود. قسمت عمده این اختلافات مربوط به تعهدات کشورهای صنعتی پیرامون تأمین مالی و انتقال فن آوری لازم جهت دستیابی به

1. Earth Charter

2. Agenda 21: Programme of Action for Sustainable Development

توسعه پایدار در میان کشورهای در حال توسعه بود. کنفرانس ریو این اختلافات را به نحوی که همه طرفین رضایت خاطر کامل داشته باشند، حل و فصل نکرد. اما همچنان که در مقدمه آمده است، دستور کار ۲۱ یک برنامه پویاست و آغاز یک همکاری جدید جهانی را رقم می زند.^{۱۶}

دستور کار ۲۱ شامل یک مقدمه و چهل فصل است که در چهاربخش سازماندهی گردیده است. این بخش ها عبارتند از:

- (۱) ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار
- (۲) حفاظت و مدیریت منابع لازم برای توسعه
- (۳) تقویت گروه های اصلی
- (۴) شیوه های اجرایی.^{۱۷}

۳-۳) دستاوردهای حقوقی کنفرانس ریو

۳-۳-۱) کنوانسیون تغییر آب و هوا

چارچوب کنوانسیون ملل متحد در خصوص تغییر آب و هوا^(۱) در اجلاس سران زمین برای امضای کشورها مفتوح و در مارس ۱۹۹۴ لازم الاجرا گردید. این کنوانسیون از کنفرانس اعضا^(۲) (به عنوان عالی ترین رکن کنوانسیون)، دبیرخانه، رکن فرعی اجرایی و رکن فرعی مشاوره علمی و فن آوری تشکیل یافته است.

هدف غایی این کنوانسیون، تثبیت میزان انتشار گازهای گلخانه ای در اتمسفر در حدی است که از دخالت خطرناک انسانی در سیستم آب و هوا ممانعت شود. بر این اساس، به موجب ماده ۴،۲ کنوانسیون، کشورهای توسعه یافته صنعتی (ضمیمه ۱ کنوانسیون) به عنوان مسببان اصلی پدیده تغییر آب و هوا متعهد شده اند تا سطح انتشار گازهای گلخانه ای خود را تا سال ۲۰۰۰ به سطح سال ۱۹۹۰ برگردانند.^{۱۸}

1. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)
2. Conference of the Parties (COP)

۲-۳-۳) کنوانسیون تنوع زیستی^(۱)

این کنوانسیون نیز در اجلاس سران زمین برای امضای کشورها مفتوح و در دسامبر ۱۹۹۳، ۹۰ روز پس از تودیع سند تصویب ۳۰ کشور نزد دبیرکل ملل متحد به عنوان امین کنوانسیون لازم الاجرا گردید. کنوانسیون تنوع زیستی دارای ارکان کنفرانس اعضا (به عنوان عالی ترین رکن کنوانسیون)، دبیرخانه و رکن فرعی مشاوره علمی، تکنیکی و تکنولوژیکی می باشد.

کنوانسیون تنوع زیستی سه هدف عمده را دنبال می نماید که عبارتند از:

(۱) حفاظت از تنوع زیستی

(۲) فراهم کردن زمینه لازم جهت استفاده پایدار از اجزای تنوع زیستی

(۳) استفاده عادلانه و منصفانه از فواید ناشی از دسترسی به منابع ژنتیک^{۱۹}

۳-۳-۳) اصول مدیریت، حفاظت و توسعه پایدار جنگل

شاید ذکر بیانیه اساسی اصول غیرالزام آور لازمه توافق کلی جهانی پیرامون مدیریت، حفاظت و توسعه پایدار انواع جنگل ها^(۲) به عنوان یکی از دستاوردهای حقوقی کنفرانس ریو که از الزام قانونی برخوردار نیست مورد ایراد قرار گیرد، اما باید دانست که این اصول به عنوان راهنمای هرگونه مذاکره آتی بین المللی برای تدوین سازوکار حقوقی بین المللی جهت حفظ جنگل ها از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار است.

در کنفرانس ریو به دلیل اختلافات گسترده میان کشورها از جمله اختلاف بین کشورهای صنعتی شمال و کشورهای در حال توسعه جنوب و نیز میان اعضای هریک از دو گروه مزبور در خصوص ضرورت و نحوه تدوین یک کنوانسیون برای حفظ و مدیریت جنگل های جهان، صرفاً در خصوص اصول کلی شامل یک مقدمه و پانزده اصل در راستای ارتقای مدیریت و حفاظت از جنگل ها توافق شد.^{۲۰}

1. Convention on Biological Diversity (CBD)

2. Non-Legally Binding Authoritative Statement of Principles for a Global Consensus on the Management, Conservation and Sustainable Development of all types of Forests.

۳-۳-۴) کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی

در فصل دوازدهم دستور کار ۲۱، کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه، مجمع عمومی سازمان ملل را تشویق می‌کند تا مذاکرات لازم پیرامون عقد یک معاهده بین‌المللی برای مبارزه با بیابان‌زایی را در نخستین اجلاس خود انجام داده و متن نهایی معاهده مزبور را نهایتاً تا سال ۱۹۹۴ میلادی تهیه نماید. بر این اساس، مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس چهل و هفتم، طی قطعنامه شماره ۴۷/۷۱۹ کمیته بین‌الدول، مذاکرات برای تدوین کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با بیابان‌زایی را سازمان داد. کمیته مزبور در ژوئن ۱۹۹۴ متن نهایی «کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با بیابان‌زایی در کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی و یا بیابان‌زایی (به ویژه آفریقا) مواجه می‌باشند»^(۱) را جهت امضای کشورها ارائه کرد. این کنوانسیون در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶، نود روز پس از آن که سند تصویب پنجاهمین کشور به دبیرکل ملل متحد به عنوان امین کنوانسیون ارائه شد، لازم‌الاجرا گردید.

هدف کنوانسیون مزبور، ایجاد چارچوب لازم برای برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با فرسایش خاک در نواحی خشک، نیمه خشک و خشک نیمه مرطوب می‌باشد. دستیابی به این هدف، شامل راهبردهای جامع درازمدتی است که همزمان روی بهبود محصول دهی زمین، احیا، حفاظت و مدیریت پایدار منابع آب و خاک متمرکز شده و در نهایت به بهبود شرایط زندگی مردم بیانجامد.^{۲۱}

۳-۴) دستاوردهای سازمانی کنفرانس ریو

۳-۴-۱) تأسیس کمیسیون توسعه پایدار^(۱)

به موجب فصل سی و هشتم دستور کار ۲۱ و به منظور نظارت بر اجرای مصوبات ریو و دستور کار مزبور در سطح ملی و بین‌المللی، کمیسیون توسعه پایدار به موجب

1. United Nations Convention to Combat Desertification In Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, Especially In Africa (CCD)

قطعه‌نامه شماره ۲۰۷/۱۹۹۳ شورای اقتصادی-اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) و متعاقب قطعه‌نامه شماره ۴۷/۱۹۱ مجمع عمومی تشکیل گردید. این کمیسیون از ۵۳ عضو که توسط شورای اقتصادی، اجتماعی برای مدت سه سال براساس گروه‌های جغرافیایی ذیل انتخاب می‌گردند، تشکیل یافته است:

۱۳ عضو از کشورهای آفریقایی، ۱۱ عضو از کشورهای آسیایی، ۶ عضو از کشورهای اروپای شرقی، ۱۰ عضو از کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، و ۱۳ عضو از کشورهای اروپای غربی و دیگر اعضا. کمیسیون مزبور همه ساله به مدت ۲ الی ۳ هفته در مقر خود در نیویورک تشکیل جلسه می‌دهد. پنجمین اجلاس کمیسیون، همان گونه که در ریو توافق شده بود به بازنگری میزان اجرای مصوبات ریو ظرف مدت ۵ سال پس از اجلاس سران زمین و تهیه پیش نویس سند اصلی اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل که به همین منظور از ۲۳ لغایت ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ برگزار شد، اختصاص یافت.^{۲۲}

۲-۴-۲) تجدید ساختار تسهیلات جهانی محیط زیست^(۲)

تسهیلات جهانی محیط زیست (جف) در سال ۱۹۹۱ به عنوان یک ساز و کار مالی جهت تأمین کمکهای بلاعوض و ترجیحی به کشورهای در حال توسعه برای فعالیتهایی که در راستای حفظ محیط زیست جهانی می‌باشد، برای یک دوره سه ساله توسط بانک جهانی، برنامه عمران ملل متحد^(۳) و برنامه محیط زیست ملل متحد^(۴) ایجاد گردید.

در کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه (اجلاس سران زمین) توافق شد، چنانچه جف به نحوی تجدید ساختار کند که شفافیت^(۵)، عضویت همگانی و دموکراتیک بودن از ویژگیهای اصلی آن گردد، می‌تواند به عنوان ساز و کار اصلی مالی برای دستیابی به توسعه پایدار و ساز و کار مالی کنوانسیون‌های تنوع زیستی و تغییر آب و هوا عمل نماید.^{۲۳}

1. Commission on Sustainable Development
2. Global Environment Facility (GEF)
3. United Nations Development Programme (UNDP)
4. United Nations Environment Programme (UNEP)
5. Transparency

براین اساس، متعاقب تکمیل مذاکرات تجدید ساختار، جف جدید با منابع مالی تازه به ارزش حدود ۱,۴۴ میلیارد حق برداشت ویژه (SDR)^(۱) معادل ۲,۰۲ میلیارد دلار آمریکا از اواسط سال ۱۹۹۴ آغاز به کار کرد. اداره جف مشترکاً به عهده سه کارگزار اصلی آن یعنی بانک جهانی، برنامه عمران ملل متحد و برنامه محیط زیست ملل متحد می باشد. اما بانک جهانی علاوه بر این که یکی از کارگزاران اجرایی جف به شمار می رود به عنوان امین^(۲) صندوق امانی جف^(۳) و نیز دبیرخانه جف انجام وظیفه می کند.

جف متشکل از سه رکن اصلی مجمع، شورا و دبیرخانه می باشد. مجمع جف که هر سه سال یک بار تشکیل جلسه می دهد، در زمینه های بررسی سیاست های کلی جف، نظارت بر عضویت اعضای جدید و ارزیابی اقدامات انجام شده دارای قدرت تصمیم گیری است. شورای جف نیز که رکن سیاست گذاری و تصمیم گیری در خصوص روشهای اجرایی و تخصیص منابع به شمار می آید، از ۳۲ حوزه انتخابیه^(۴) که شمار شرکت کنندگان در آن از یک تا ده کشور متغیر است، تشکیل یافته است و هر شش ماه یک بار تشکیل جلسه می دهد. اولین اجلاس مجمع جف از تاریخ اول لغایت سوم آوریل ۱۹۹۸ در دهلی نوب برگزار گردید. طرح ها و پروژه ها که جف در راستای نیل به منافع زیست محیطی جهانی حمایت می کند باید در یکی از این چهار زمینه باشند:

(۱) تغییر آب و هوا، (۲) تنوع زیستی، (۳) آبهای بین المللی و (۴) تخریب لایه ازن
فعالیت های مربوط به فرسایش خاک نیز در صورتی که مربوط به یکی از چهار زمینه مذکور باشد، برای تأمین مالی واجد شرایط خواهند بود.^{۲۴}

۴- مواضع و عملکرد کشورهای در حال توسعه در خصوص اجلاس زمین

کشورهای در حال توسعه که قریب به صد و چهل کشور جهان را شامل می شوند، عمدتاً

1. Special Drawing Right
2. Trustee
3. GEF Trust Fund
4. Constituency

پس از جنگ جهانی دوم به استقلال رسیده و در ویژگی‌هایی نظیر نرخ بالای رشد جمعیت، درآمد سرانه پایین، فقر، اقتصاد ضعیف و به طور خلاصه عدم توسعه یافتگی مشترک هستند. این کشورها در اعتراض به نظام حاکم بر اقتصاد بین الملل، همزمان با اولین کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد)^(۱) در سال ۱۹۶۴ گروهی را تحت عنوان گروه ۷۷^(۲)، به عنوان نهاد مشورتی کشورهای در حال توسعه در مقابل کشورهای توسعه یافته که مواضع خود را در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^(۳) هماهنگ می کردند، تشکیل دادند. این گروه با توجه به اکثریت خود در اجلاس ها و کنفرانس های بین المللی که در آن منافع و علایق کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته و یا اصطلاحاً منافع شمال-جنوب در تعارض با یکدیگر قرار می گیرد به عنوان محور اصلی چانه زنی عمل می نماید.^{۲۵}

در اجلاس سران زمین و در مذاکرات زیست محیطی جهانی نیز گروه مزبور به عنوان هماهنگ کننده مواضع کشورهای در حال توسعه عمل نمود و توانست یک خط مشی مشترک جهان سومی در زمینه مسائل محیط زیست ارائه کند. این خط مشی مشترک بر چهار موضوع اصلی تأکید داشت:

۱) کشورهای در حال توسعه اصرار داشتند که پاسخ گویی به مسائل و مشکلات زیست محیطی مربوط به کشورهای صنعتی است. زیرا توسعه کشورهای ثروتمند صنعتی که علت عمده مشکل می باشد، موجب آن شده است تا بار هزینه های حفظ محیط زیست بر دوش کشورهای در حال توسعه تحمیل شود.

۲) کشورهای در حال توسعه معتقد بودند که هر اقدام اصلاحی موردنظر نباید مانع پیشرفت و توسعه آنها باشد. جهان توسعه یافته در زمانی صنعتی شد که هزینه های زیست محیطی در قیمت کالا و خدمات آنها منعکس نمی شد، اما در حال حاضر تعیین قیمت با ملاحظات زیست محیطی، سد راه توسعه اقتصادی جوامع جهان سوم به شمار می آید و محدودیت جدیدی بر توسعه آنها محسوب می شود.

1. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

2. Group of 77 (G77)

3. Organization of Economic Cooperation and Development (OECD)

۳) کشورهای در حال توسعه، خواستار انتقال منابع مالی خارجی جدید و اضافی برای افزایش میزان حمایت خود از محیط زیست بودند.

۴) کشورهای در حال توسعه خواستار انتقال آزاد فن آوری سالم و زیست محیطی از شمال به جنوب بودند. بدون انتقال چنین فن آوری هایی، آن هم با قیمت غیر تجاری، کشورهای در حال توسعه مجبور به تداوم استفاده از فن آوری های مخرب زیست محیطی هستند.^{۲۶}

با عنایت به این موارد به طور کلی می توان چهار محور را به عنوان اصول اصلی و نکات عمده مواضع کشورهای در حال توسعه در خصوص مباحث زیست محیطی جهانی در نظر گرفت:

۱) تأکید بر مسئولیت تاریخی، اولیه و اصلی کشورهای توسعه یافته در تخریب محیط زیست

۲) شناسایی حق توسعه برای کشورهای در حال توسعه

۳) لزوم تخصیص منابع مالی جدید و اضافی

۴) تسهیل انتقال فن آوری سالم از لحاظ زیست محیطی.

۵) مسئولیت تاریخی، اولیه و اصلی کشورهای توسعه یافته در تخریب محیط زیست

به تعبیری، تخریب محیط زیست نتیجه و محصول انقلاب صنعتی و انقلاب صنعتی نتیجه نوسازی و رابطه ای است که این بینش میان انسان و طبیعت برقرار می سازد. زیرا اسطوره نوسازی، طرحی برای رستگاری به دست می داد که در همه جای عالم قابل اجرا بود و نقطه آغاز آن بر اصل تحرک بی وقفه، پیشرفت مداوم در تولید کالاهای مادی، فتوحات پیوسته در قلمرو طبیعت، تجدید ساختار جهان به منظور ایجاد فرایندهایی که چه از نظر سازماندهی و چه از نظر فن آوری قادر باشند به طور خودکار و همزمان شرایط خوشبختی، آزادی و رهایی از شر همه بلایا و مصیبت ها را فراهم آورد، استوار بود. این اصل بنا به تعریف

زیبای یورگن ها برماس^(۱)، در حقیقت مفهوم افسونگرانه نوسازی بود، اما امروزه از آن به عنوان «توهم بزرگ زمانه» یاد می کنند.^{۲۷}

فلسفه پوزیتیویسم^(۲) یا اثبات گرایی به عنوان الگوی^(۳) فکری غالب نوسازی با قابل اثبات پنداشتن همه پدیده های جهان از مجرای علم تجربی یعنی آزمایش و مشاهده، راه را برای تسلط فزاینده بشر بر طبیعت هموار کرد. لذا انسان خود را توانا و صاحب حق برای تسخیر، تملیک و تغییر طبیعت یافت و با انگیزه های سودجویانه مبادرت به بهره برداری از آن کرد و با نادیده گرفتن وظایف خود نسبت به طبیعت و تحصیل سود هرچه بیشتر با حداقل هزینه ممکن به تخریب روزافزون آن پرداخت.^{۲۸}

براین اساس، جهان صنعتی به عنوان خاستگاه اندیشه نوگرایی مسئولیت تاریخی، اولیه و اصلی در تخریب محیط زیست را چه در داخل مجموعه خود و چه در خارج از آن را بر عهده دارد و طبیعتاً بار اصلی هرگونه اقدام جبرانی باید توسط کشورهای توسعه یافته به دوش کشیده شود. این امر در اصل «مسئولیت مشترک اما متفاوت»^(۴) کشورهای در حفظ محیط زیست کنونی جهان و دستیابی به اهداف توسعه پایدار تبلور یافته و مورد تأکید کشورهای در حال توسعه نیز بوده است. به موجب این اصل، همه کشورهای در تلاش جهانی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار مشترکند، اما میزان تعهد و اشتراک آنها با عنایت به نقشی که در تولید آلودگی داشته یا دارند، متغیر و متفاوت است. در حالی که کشورهای در حال توسعه مسئولیت همگامی و هماهنگی با اقدامات بین المللی در راستای حفظ محیط زیست را به عهده دارند، کشورهای توسعه یافته مسئولیت اقدام جدی و ملموس فردی یا دسته جمعی در جهت کاهش آلاینده ها، انتقال فن آوری زیست محیطی و منابع مالی لازم جهت پی گیری اهداف زیست محیطی را به کشورهای در حال توسعه بر عهده دارند.^{۲۹} اصل هفتم بیانیه ریو در این خصوص اشعار می دارد: کلیه دولتها باید در حفظ و نگهداری و بازیافت سلامت و انسجام اکوسیستم های کره زمین با روحیه ای آکنده از مشارکت بین المللی با

1. Jorgen Habermas

2. Positivism

3. Paradigm

4. Common but Differentiated Responsibility

یکدیگر همکاری نمایند. با توجه به سهم متفاوت کشورهای جهان در تخریب محیط زیست، دولتهای مختلف دارای مسئولیت مشترک لیکن متفاوتی می باشند. کشورهای توسعه یافته با توجه به فشارهایی که جوامع آنها بر محیط زیست جهانی وارد نموده و نیز با توجه به فن آوری و منابع مالی که در اختیار دارند، مسئولیت خویش را در تلاش جهانی برای توسعه پایدار اذعان و تأیید می نمایند.^{۳۰}

در این راستا، یکی از مسئولیتهای بسیار مهم و متفاوت کشورهای توسعه یافته، تغییر الگوهای ناپایدار تولید و مصرف می باشد. طبق آمار موجود، در حال حاضر ۲۰ درصد جمعیت جهان (کشورهای توسعه یافته)، ۸۰ درصد منابع و تولیدات جهانی را مصرف می کند. این مصرف عمده و بی رویه علاوه بر تبعاتی که بر آلودگی محیط زیست برجای می نهد، به دلیل الگوسازی که برای باقی مانده ۸۰ درصدی جمعیت جهان ایجاد می کند، دارای اثرات به مراتب مخرب تری است.^{۳۱} بر این اساس، دستور کار ۲۱، سیاستها و راهبردهای ذیل را جهت دستیابی به الگوی پایدار تولید و مصرف توصیه می نماید:

- (۱) تشویق کارایی بیشتر در مصرف انرژی و منابع
- (۲) به حداقل رساندن تولید پس مانده ها
- (۳) کمک به افراد و خانواده ها از طریق اطلاع رسانی صحیح و دقیق برای این که هنگام خرید تصمیماتی اتخاذ کنند که از نظر زیست محیطی سالم باشد
- (۴) ایفای نقش رهبری دولت ها از طریق خریدهای دولتی زیست محیطی
- (۵) حرکت به سوی قیمت گذاری بر اساس مسائل زیست محیطی
- (۶) تحکیم ارزشهایی که تقویت کننده مصرف پایدار هستند.^{۳۲}

۶) شناسایی حق توسعه کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه در اجلاس محیط زیست و توسعه در ادامه تلاشهای خود جهت به رسمیت شناخته شدن «حق توسعه» به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، متنی را پیشنهاد دادند که اعلام می داشت: کلیه کشورها و انسانها از حق توسعه برخوردارند و بدون آن حفظ

محیط زیست و سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی میسر نیست. نماینده هیأت آمریکا به شدت با درج واژه «حق توسعه» مخالفت و دلیل آن را استفاده سیاسی از این واژه اعلام کرد. به اعتقاد وی، تاریخ به کارگیری مفهوم حق توسعه در سازمان ملل به زمانی باز می‌گشت که بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌خواستند توجه عامه را از مفاهیم حقوق اساسی بشر به مفهوم دیگری سوق دهند.^{۳۳}

اما واقعیت این است که طی دو دهه اخیر در خصوص این که «توسعه» یک حق برای انبای بشر است یا خیر، نظرات مختلف و حتی متعارضی میان کشورهای شمال و جنوب مطرح شده است. کشورهای صنعتی و توسعه یافته بر این باورند که آزادیهای سیاسی و مدنی شرط لازم برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی است، لذا توسعه را یک امر درون کشوری دانسته و آن را یک امر و هدف داخلی کشورها به حساب می‌آورند و تحقق آن را مستلزم اعمال کلیه حقوق سیاسی و آزادیهای اساسی می‌دانند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه بر این باورند که برای رسیدن به دموکراسی حقیقی و تحقق کلیه حقوق اساسی و آزادیهای انسانی باید حداقل ضروریات زندگی تأمین گردد. بر این اساس، این گروه از کشورها کلیه حقوق انسانی را مرتبط به هم و لاینفک دانسته و تحقق حقوق بشر را به طور اعم و حق توسعه را به طور اخص یک فرایند همه جانبه و فراگیر اعلام می‌نمایند.^{۳۴} از این دیدگاه، محتوای بحث حق توسعه به حق انسان برای برخورداری از سیاست‌های توسعه متکی بر ارضای نیازهای مادی و غیرمادی نوع انسان و مشارکت در فرایندهای توسعه و نیز حقوق جمعی کشورهای در حال توسعه برای ایجاد نظم جدید عادلانه اقتصادی باز می‌گردد.^{۳۵}

به هر حال در کنفرانس محیط زیست و توسعه به دلیل مخالفت شدید آمریکا و اتحادیه اروپا و کانادا با متن پیشنهادی کشورهای در حال توسعه از یک سو و اصرار جدی کشورهای در حال توسعه مبنی بر ذکر «حق توسعه» در بیانیه ریو، رییس کمیته مقدماتی مذاکره کننده در خصوص بیانیه، متنی را پیشنهاد کرد که مورد قبول کلیه کشورها به جز آمریکا واقع شد. آمریکا در کنفرانس مزبور نسبت به اصل سوم بیانیه ریو که در آن واژه حق توسعه به کار رفته بود، تحفظ خود را اعلام داشت. اصل سوم بیانیه ریو اشعار می‌دارد: «حق توسعه باید به نحوی

اعمال شود که به طور مساوی نیازهای نسل کنونی و نسلهای آینده را در زمینه توسعه و محیط زیست برآورده سازد.»

تأکید و اصرار کشورهای در حال توسعه مبنی بر ذکر «حق توسعه» در بیانیه ریو از نگرانی آنها از تبدیل شدن بحث محیط زیست به یک مانع جدید در راه توسعه و رشد اقتصادی شان و در واقع پیش گیری از وقوع چنین امری حکایت داشت. به اعتقاد آنها، جهان صنعتی نزدیک به دو سده بدون توجه به محیط زیست به رشد و توسعه خود پرداخته، منابع اولیه و ثروتهای کشورهای جهان سوم را به خدمت توسعه خود گرفته و آلودگیها و بحرانهای متعدد زیست محیطی را باعث گردیده و فضای زیست محیطی لازم جهت توسعه را برای هیچ کس باقی نگذاشته است. کشورهای در حال توسعه حاضر به پرداخت هزینه چنین امری نبوده و نیستند و معتقدند فضای زیست محیطی لازم جهت توسعه آنها باید از طریق اقدام کشورهای صنعتی در بهبود محیط زیست به وجود آید.^{۳۶}

۷) لزوم تخصیص منابع مالی جدید و اضافی^(۱)

درخواست کشورهای در حال توسعه برای کمک های مالی کشورهای توسعه یافته بر این اساس استوار است که به اعتقاد این کشورها، بدون چنین کمکهایی آنها اصلاً قادر به پاسخ گویی به هزینه های ناشی از توجه به مسائل زیست محیطی نیستند. نظر به این که کشورهای صنعتی عامل اصلی تخریب محیط زیست جهانی بوده اند، لذا در حال حاضر مسئول اصلی عدم امنیت زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه هستند و باید هزینه های اضافی را که از این کشورها به در حال توسعه تحمیل گردیده خود متحمل شوند.

اما در این میان، بحث اصلی بر سر اضافی و جدید بودن در مقابل مشروط بودن^(۲) منابع مالی شکل گرفته است. به اعتقاد کشورهای در حال توسعه، منابع مالی که برای این منظور در نظر گرفته می شود، باید علاوه بر آنهایی باشد که قبلاً از طریق برنامه های توسعه دوا

1. New and Additional Financial Resources
2. Additionality and Conditionality

چند جنبه تأمین می گردید. اما کشورهای توسعه یافته یا به عبارت دقیق تر کشورهای کمک کننده مالی به مشروط بودن کمک ها تأکید کرده اند. به زعم این گروه از کشورها، هرگونه کمک مالی باید مشروط به پاره ای از شرایط و اقدامات نظیر کاهش در هزینه های نظامی، هزینه در خصوص برنامه های فقرزدایی و هزینه در زمینه اهداف زیست محیطی جهانی در مقایسه با اهداف زیست محیطی محلی باشد.^{۳۷} کشورهای دریافت کننده کمک نسبت به پذیرش چنین شرایطی کاملاً بی میل هستند و به آنها به عنوان عوامل تحدید کننده حاکمیت خود و یادآور برنامه های تعدیل ساختاری^(۱) صندوق بین المللی پول می نگرند. به طوری که کنفرانس جنبش عدم تعهد در سپتامبر ۱۹۸۹، نگرانی عمیق خود را از روند رو به تزاید فشارهای خارجی و قیود رو به رشد کشورهای توسعه یافته در زمینه مسائل زیست محیطی بر کشورهای در حال توسعه اظهار داشت.

۸) تسهیل انتقال فن آوری سالم به لحاظ زیست محیطی

منطق انتقال فن آوری سالم به لحاظ زیست محیطی^(۲) به کشورهای در حال توسعه به این نکته باز می گردد که اگر این کشورها به موجب موافقتنامه های چند جنبه زیست محیطی موظف به انجام تعهداتی هستند، جهت تحقق این تعهدات نیاز به دسترسی به فن آوری دارند، امری که غالباً به سهولت در دسترس آنان نیست. در این راستا، انتقال فن آوری و توسعه آن یکی از اجزای اصلی راهبرد موفقیت آمیز جهت دستیابی به توسعه پایدار به حساب می آید. بنابراین، فن آوری سالم جهت کاهش عوامل تخریب محیط زیست، تطبیق و مدیریت تأثیرات تخریب در مواردی که تخریب اجتناب ناپذیر است و توسعه کنترل و نظارت به کار می آید.^{۳۸} فن آوری سالم از لحاظ زیست محیطی، آن است که از محیط زیست حفاظت می کند، کمتر آلوده کننده است، کلیه منابع را به گونه ای مستمر مورد استفاده قرار می دهد، بسیاری از فضولات و فرآورده ها را بازیافت می کند و بازمانده آنها را به صورت قابل قبول تری نسبت به

1. Structural Adjustment Programmes
2. Environmentally Sound and Safe Technologies

فن آوری های دیگر در می آورد. این نوع فن آوری را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: فن آوری های پاک کننده و فن آوری های پاکیزه.

الف) فن آوری های پاک کننده

این نوع فن آوری که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد، در جریان عمل مواد آلوده کننده را از فضولات جدا می سازد و شامل بخشهای عمده ای است: کنترل آب و فاضلاب، اداره فضولات، کنترل کیفیت هوا، اصلاح و ترمیم زمین، کاهش سر و صدا و سایر خدمات و وابسته به آن. فن آوری های پاک کننده شامل جلوگیری از گرد و خاک و چربی، وسایل شستشو، صافی ها، عمل آوری جریان جمعی فضولات، دستگاه های زباله سوز، کامیونهای حمل زباله و دستگاه های تبدیل زباله به کود و نیز ابزاری که آلودگی را در محیط زیست جدا می سازد و سپس فضولات آن را مورد استفاده قرار می دهد، می شود.

ب) فن آوری های پاکیزه

این نوع از فن آوری، فرایندهای موجود تولید را از طریق تعدیل صحیح و منظم ماشین ها به حد مطلوب می رساند و بدین ترتیب سنجش صحیح داده ها و کاهش آلودگی در جریان فعالیت اقتصادی و پس از آن را میسر می سازد. این گروه همچنین شامل فن آوری هایی است که تغییرات شدیدی در فرایند تولید و ترکیب محصول به وجود می آورند و بدین ترتیب از همان آغاز فرایند تولید، از آلودگی جلوگیری می کنند. برخی از نمونه های فن آوری پاکیزه به روشهایی که مواد خام نظیر ذغال سنگ را قبل از استفاده پاک می کند، یا فرایندهایی که در جریان تولید ایجاد فضولات مضر را تقلیل می دهند، نظیر تزریق سنگ آهک به داخل دیگ های جوش هنگام سوختن ذغال و یا فن آوری هایی که از خورشید، باد و بیوماس^(۱) انرژی تولید می کنند، تأکید دارند.

انتقال فن آوری با مشکلاتی نظیر هزینه، قابلیت انطباق و سازگاری فن آوری شمال در

1. Biomass

کشورهای جنوب، ساز و کار انتقال و موضوع مناقشه انگیز حق مالکیت معنوی همراه است.^{۳۹} اما اختلاف اصلی میان منبع و مبدأ فن آوری (کشورهای توسعه یافته) و مقصد آن (کشورهای در حال توسعه) بر سر این است که آیا فن آوری باید به شکل تجاری یا غیر تجاری انتقال یابد؛ به عبارت بهتر این انتقال باید به عنوان نوعی کمک برای توسعه یا بخشی از تبادلات تجاری در نظر گرفته شود. طرفداران انتقال فن آوری دست یابند و بهره برداری و به کار گیری آن نیز توسط کشورهای توسعه یافته موجب عدم امنیت زیست محیطی گردیده است، لذا انتقال فن آوری سالم، صورتی از عدالت توزیعی مجدد بین المللی محسوب می گردد. در مقابل، طرفداران دیدگاه انتقال فن آوری بدون ملاحظات تجاری معتقدند که کشورهای در حال توسعه به سادگی نمی توانند به فن آوری با لحاظ ملاحظات تجاری به رهبری ایالات متحده معتقدند که اولاً فن آوری صرفاً در اختیار حکومت ها نبوده و نیست، بلکه شرکتهای بخش خصوصی که باید ملاحظات تجاری و سرمایه گذاری خاص آنها مورد توجه باشد، مالکیت عمده فن آوری های جدید و پیشرفته را در اختیار دارند. ثانیاً انتقال فن آوری بدون در نظر گرفتن مزیت های نسبی تجاری به کشورهای در حال توسعه سبب عصیان آنها خواهد شد.^{۴۰}

در اجلاس سران زمین، در مورد این موضوع نوعی مصالحه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته صورت پذیرفت که منافع طرفین مناقشه را تا حدودی تأمین می کرد. اصل ۹ بیانیه ریوا اشاره می کند: «دولتها برای تقویت ظرفیت سازی بومی برای توسعه پایدار با ارتقای فهم علمی از طریق تبادلات دانش علمی و فن آوری و نیز از طریق ترویج، تطبیق، نشر و انتقال تکنولوژیکی از جمله فن آوری جدید و نوآور باید با هم همکاری کنند»^{۴۱} فصل ۳۴ دستور کار ۲۱ نیز تحت عنوان «انتقال فن آوری سالم به لحاظ زیست محیطی، همکاری و ظرفیت سازی» شیوه های دستیابی به چنین هدفی را پیش بینی کرده است:

- (۱) فرمول بندی خط مشی ها و برنامه هایی برای انتقال موثر آن دسته از فن آوری های سالم به لحاظ زیست محیطی که در تملک یا تحت نظر دولت قرار دارند.
- (۲) به وجود آوردن شرایطی مطلوب که بخش خصوصی و دولتی را به ابداع، بازاریابی و

به کارگیری فن آوری های سالم از لحاظ زیست محیطی تشویق کند.

۳) بررسی خط مشی های فعلی نظیر خط مشی مالیاتی و یارانه و بررسی مقررات موجود توسط دولت و یا در صورت مقتضی توسط سازمانهای مربوطه برای روشن شدن اینکه آیا چنین خط مشی ها و مقرراتی دسترسی و انتقال و به کارگیری فن آوری های سالم از لحاظ زیست محیطی را تشویق می کند یا مانع آن است.

۴) طرح موانع موجود بر سر راه انتقال فن آوری های در تملک بخش خصوصی، در چارچوبی که در آن مسائل زیست محیطی و توسعه به طور کامل تلفیق شده باشد و اتخاذ شیوه های مناسب برای کاهش این موانع و همچنین ایجاد انگیزه برای انتقال فن آوری های سالم از لحاظ زیست محیطی.

۵) در مورد فن آوری های در تملک بخش خصوصی می توان به خصوص در رابطه با کشورهای در حال توسعه روشهایی را اتخاذ کرد:

۱-۵) از طریق کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهایی که در موقعیت خوبی قرار دارند، می توان انگیزه های مناسبی چه مالی و چه غیرمالی ایجاد کرد، یا این انگیزه ها را افزایش داد تا شرکتها به انتقال فن آوری سالم به لحاظ زیست محیطی، به خصوص به کشورهای در حال توسعه که این امر برای توسعه پایدار آنها ضروری است، ترغیب شوند

۲-۵) افزایش امکان دسترسی و دستیابی به فن آوری های سالم به لحاظ زیست محیطی که دارای پروانه بهره برداری انحصاری هستند، به خصوص برای کشورهای در حال توسعه

۳-۵) به عنوان بخشی از همکاری در جهت توسعه پایدار، خرید پروانه های بهره برداری انحصاری به قیمت تجاری به منظور انتقال آنها به کشورهای در حال توسعه براساس شرایط غیرتجاری و با در نظر گرفتن لزوم حفظ حقوق مخترعان و مبتکران

۴-۵) در انطباق با کنوانسیون های بین المللی مورد تأیید حکومت ها و تحت شرایط خاص این کنوانسیون ها، اتخاذ شیوه هایی به منظور جلوگیری از سوء استفاده از حقوق مخترعان و مبتکران، نظیر قوانین مربوط به تملک این حقوق از طریق مجوزهای اجباری و

همچنین در نظر گرفتن راههایی برای جبران مناسب و عادلانه

۵-۵) تهیه و تدارک منابع مالی برای آن که اگر برخی کشورهای در حال توسعه بر اثر اجرای اقداماتی در جهت توسعه پایدار تحت فشارهای غیرعادی قرار دارند، بتوانند از طریق منابع مالی به فن آوری های سالم به لحاظ زیست محیطی دست یابند.^{۴۲} □



پاورقی‌ها:

- ۱- عبدالحسین آذرنگ، تکنولوژی و بحران محیط‌زیست، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، صص ۱۹-۱۷.
- ۲- همان، صص ۲۲۷-۱۱۸.
3. Elim Papadakis, *The Green Movement in West Germany*, Kent: Croon Helm, 1984, pp. 20-45.
- ۴- آر. ف. واسمن، زمین در خطر است، ترجمه محمود بهزاد، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۶۰، صص ۱۹۷-۲۰۰.
- ۵- شناسنامه سازمانهای بین‌المللی، جلد اول، تهران: چاپ واحد انتشارات روابط عمومی وزارت امور خارجه، دی‌ماه ۱۳۶۲، صص ۶۰.
- ۶- آموزش بین‌المللی محیط‌زیست، تهیه و تنظیم: بخش آموزش علمی، فنی و حرفه‌ای یونسکو، ترجمه فیروزه برومند، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰، صص ۱۴-۱۳.
7. Alexandre Kiss and Dinah Shelton, *International Environmental Law*, USA: Transnational Publishers Inc., 1991, p. 175.
8. *United Nations Yearbook*, 1972, pp. 322-324.
9. *United Nations Handbook* 1996, New Zealand Ministry of Foreign Affairs and Trade, pp. 188-189.
- ۱۰- بزرگمهر زیاران، «توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست: مسئولیت دولتها و حل مسالمت‌آمیز اختلافات»، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۴۷۴.
11. *United Nations Handbook* 1997, New Zealand Ministry of Foreign Affairs and Trade, p. 206.
12. Ibid, pp. 206-207.
- ۱۳- لستر براون و همکاران، وضعیت جهان ۱۹۸۹، ترجمه حمید طراوتی، تهران: نشر ژرف، ۱۳۷۰، صص ۳۸۱.
14. *United Nations Handbook* 1997, op. cit., p. 207.
- ۱۵- «بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه»، بولتن کمیته ملی توسعه پایدار، شماره ۱، بی‌تا، صص ۱۴-۹.
- ۱۶- «برنامه کار ۲۱، منشوری برای آینده» بولتن کمیته ملی توسعه پایدار، شماره ۳ و ۲، بی‌تا، صص ۴.
17. *Agenda 21*, New York: United Nations Department of Public Information, 1994, pp. 15-288.
- ۱۸- سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، صص ۱۰۷.
- ۱۹- همان، صص ۱۰۹-۱۰۸.
20. Richard N. Gardner *Negotiating Survival; Four Priorities After Rio*, New York: Council on Foreign Relations Press, 1992, p. 36.
- ۲۱- واقعیت‌های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه قدرت‌ا... معمارزاده، تهران: نشر کتاب سرا، ۱۳۷۴،

22. United Nations Handbook 1997, op. Cit., pp. 207-208.
23. *World Resources*, A Guide to the Global Environment, A Report by World Resources Institute in Collaboration with the United Nations Development Programme, London: Oxford University Press, 1994, pp. 221-226.
24. *GEF Restructured Instrument*, Washington D.C.: GEF Publication, 1994, pp. 6-10 and *GEF Operational Strategy*, Washington D.C.: GEF Publication, 1995, pp. 1-12.
25. Marian A. L. Miller, *The Thirl World in Global Environmental Politics*, USA: Lynne Rienner publishers, 1995, pp. 19-20.
26. Marc Williams, "Re-articulating the Third World Coalition: The Role of the Environmental Agenda", *Thirld World Quarterly*, Vol. 14, No. 1, 1993, pp. 20-21
- ۲۷- اوتر اولریش، «فن آوری و تهدید حیات در سطح کره زمین»، ترجمه ناصر موفقیان، رهیافت، شماره هفدهم، زمستان ۷۶، ص ۵۴.
- ۲۸- احمد خاتون آبادی، «فلسفه نوین و رفتار زیست محیطی تازه»، آب و فاضلاب، شماره ۱۳۷۶، ۲۴، ص ص ۵-۲.
29. Alexandre Kiss and Dinah Shelton, *Developments and Trends in International Environmental Law*, Geneva: The United Nations Institute for Training and Research, 1999, p. 30.
30. *Agenda 21*, New York: United Nations Department of Public Information, 1994, pp. 9-10.
- ۳۱- گزارش کمیسیون جنوب، چالش جنوب، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۶، ص ص ۲۹۶-۲۹۴.
32. op. cit., pp. 33-34.
- ۳۳- اسحق آل حبیب، «از استکھلم تا ریو: روند تکامل حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، نیویورک: نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۵، ص ۲۲.
34. Henry J. Steiner and Philip Alston, *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals*, New York: Oxford University Press, 1996, pp. 1117-1122.
35. Hector Gros Espiell, "The Right of Development as a Human Right", in *Human Rights in the World Community*, Edited by Richard Claude and Burns H. Weston, Philadelphia: University of Pensylvania Press, 1992, p. 168.
36. Lorraine Elliott, *The Global Politics of the Environment*, London: Macmillan Press LTD, 1998, pp. 169-173.
37. James H. Michel *Development Cooperation*; Development Assistance Committee Report, Paris: OECD Publications Service, 1995, pp. 36-37.
38. *Earth Summit+5: Programme for the Further Implementaion of Agenda 21*, New

York: United Nations Department of Public Information, 1997, pp. 68-69.

39. *Agenda for Development*, New York: United Nations Department of Public Information, 1997, p. 57.

40. Lorraine Elliott, op. cit, pp. 195-198.

41. Agenda 21, op. cit., p. 10.

42. Ibid, pp. 252-256.

